

فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال هفتم، شماره شانزدهم، تابستان ۱۴۰۰، ص ۷۹-۸۷

## تاثیر جهانی شدن بر روند شکل دهی روابط بین الملل<sup>۱</sup>

کاوه فرهادی<sup>۲</sup>

### چکیده

واژه جهانی شدن خود دیدگاه های تعریفی مختلفی را ایجاد کرده است و تئوری های زیادی در مورد جهانی شدن وجود دارد. از یک سو محققان، سیاستمداران و مدیرعامل های زیادی از شرکت های بزرگ چند ملیتی وجود دارند که جهانی شدن را فرایندی مفید برای توسعه اقتصادی می دانند. به گفته آنها جهانی شدن فرصت هایی را برای رشد فراهم می کند و به کشورهای کم کم می کند تا در اقتصاد جهان یکپارچه تر شوند در حالی که در عین حال به کاهش فقر کمک می کند. از سوی دیگر برخی بر این باورند که جهانی شدن نابرابری درون و بین ملت ها را افزایش می دهد و استانداردهای اشتغال و زندگی را که برای تقویت آن ادعا می کند، تهدید می کند. فناوری اطلاعات و سیستم های کنترل بخشی یکپارچه از جهانی شدن هستند، و به این ترتیب تاثیر زیادی در شکل گیری روابط و امنیت بین المللی دارند.

**واژه های کلیدی:** جهانی شدن، توسعه اقتصادی، روابط بین الملل، امنیت بین الملل، اقتصاد بازار، فناوری اطلاعات، سیستم های کنترل، رشد.

<sup>۱</sup> - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

## ۱. مقدمه

می توان گفت که جهانی شدن جهان و روابط بین الملل را از بسیاری جهات شکل داده است. ما می توانیم با تردید کمی وضع کنیم که دیگر در کشورهای منحصر به فرد مستقل زندگی و کار نمی کنیم. اقتصادها و جامعه به سرعت در حال تکامل اند و به تکامل خود ادامه می دهند و جهانی شدن روندی است که همچنان مرزهای تعاملات فردی و جمعی ما را تغییر شکل می دهد.

هنوز هم امروز پرسش های معتبر زیادی وجود دارد که باید پرسید: «جهانی شدن چیست؟»، «از چه زمانی شروع شد؟»، «آیا این یک فرایند یا برنامه است؟» و در نهایت «آیا ما به عنوان کشورهای نزدیک تر یا بیشتر از هم حرکت می کنیم؟» و «آیا ما در دنیایی امن تر یا ناامن تر زندگی می کنیم؟» هدف این مقاله بحث در مورد این پرسش ها و جلب توجه به مسائل مورد بحث است. بنابراین هم به جوانب مثبت و هم منفی مسائل پیرامون جهانی شدن پرداخته خواهد شد.

## ۲. حرکت نزدیک تر یا بیشتر از هم جدا؟ (نزدیکتر یا بیشتر از هم جدا میشی؟)

از نظر توصیف تاثیر جهانی شدن در جهان نسبت به مردم، اقتصادها و فرهنگ ها مدارس مختلف فکر وجود دارند که وجود دارند. از برخی دیدگاه ها جهانی شدن چیزی است که به کوچکتر شدن جهان و ارتباط بیشتر در جایی که مردم، ملت ها و فرهنگ ها نزدیک تر شده اند کمک کرده است. برخی دیگر بر این باورند که جهانی شدن با ایجاد تفاوت های عظیم بین ملت ها و بزرگ کردن شکاف بین ثروتمندان و فقرا به تقسیم مردم کمک کرده است.

نگاه مثبت به جهانی شدن که گلدستین و پیو هاوس از آن یاد کرده اند (۲۰۱۰، ج ۴۰)، آن را «ثمره اصول اقتصادی لیبرال می بیند و این بازارچه جهانی ر شد و شکوفایی را به همراه داشته است» و در نظر می گیرد که «ارزش های تکنوکرات ها و نخبگان، شهروندان تحصیل کرده در دموکراسی های لیبرال در حال تبدیل شدن به ارزش های جهانی هستند که نشان دهنده یک تمدن نوظهور جهانی است». به این ترتیب رشد اقتصادی، اشتغال و استانداردهای زندگی همگی در سطوح بالاتری نسبت به قبل قرار دارند.

به گفته حامیان جهانی شدن همه جنبه های مثبت بدون جهانی شدن امکان پذیر نخواهد بود و این جهانی شدن است که این فرایندها را به طور کلی برای اقتصاد آسان تر و ارزان تر کرده است. در تمام این ارتباطات الکترونیکی مدرن نقش مهم و غیرقابل انکار داشته است. از سوی دیگر در هر دو اقتصاد توسعه یافته و در حال توسعه دیدگاه های تردید برانگیزی در مورد جهانی شدن وجود دارد که حاوی عنصری از ترس است. شک گرایان توجه دارند که «اقتصادهای بزرگ جهان امروز یکپارچه تر از قبل از جنگ جهانی اول نیستند» و بر این اساس «شکاف شنال غربی با جهانی شدن در حال افزایش است» و این که: ادغام اقتصادی دولت ها ممکن است نه به

یک منطقه تجارت آزاد جهانی واحد، بلکه به بلوک های منطقه ای متمایز و رقیب در آمریکا، اروپا و آسیا منجر شود» (گلدستاین پیوهاوس ۲۰۱۰، صفحه ۲۰).

از جمله چهره های برجسته ای که پرسش هایی را در مورد جنجال جهانی شدن مطرح کرده اند، جوزف استیگلیتز برنده جایزه نوبل اقتصاد است. اگرچه او تشخیص می دهد که "جهانی شدن حس انزوای احساس شده در بسیاری از جهان در حال توسعه را کاهش داده است و به بسیاری از مردم در کشورهای در حال توسعه دسترسی به دانش به خوبی فراتر از دسترس حتی ثروتمندترین در هر کشوری داده است"، از سوی دیگر او می گوید که "برای بسیاری در جهان در حال توسعه، جهانی شدن منافع اقتصادی موعود را به ارمغان آورده است". در این زمینه استیگلیتز استدلال می کند که «شکاف فزاینده بین موجودات و پناهگاه ها افزایش فزاینده ای را در جهان سوم در فقر وخیم به جا گذاشته است که با کمتر از یک دلار در روز زندگی می کند» (استیگلیتز ۲۰۰۳، ج ۵).

به گفته کندی و دانکز، بسیاری از ناظران همچنان به اهمیت و منحصر به فرد بودن جهانی شدن به عنوان نیرویی برای تغییر در امور انسانی شک دارند و ممکن است با زمینه های نظر که اظهار می دارد ما در واقع از طریق یک دوره تغییر سریع زندگی می کنیم، حتی آشفستگی هم بازی کنیم (کندی دانوکس ۲۰۰۱، ج ۷).

دیگر مدارس فکر جهانی شدن را عمیق تر از آن می بینند که شک گرایان معتقدند و به گفته آنها «حاکمیت دولتی در حال فرسایش است» توسط سازمان های مختلف مانند «اتحادیه اروپا، سازمان تجارت جهانی و دیگر نهادهای جدید» به طوری که حاکمیت دیگر مطلق نیست بلکه فقط یکی از طیف اهرم های چانه زنی است که توسط دولت ها نگهداری می شود» (گلدستاین پیوهاوس ۲۰۱۰، صفحات ۲۰).

توماس فریدمن در کتاب خود با عنوان «داغ، مسطح و شلوغ» می گوید که جهان مشکل دارد: گرم شدن، مسطح شدن و شلوغ شدن شواهد گرم شدن کره زمین، افزایش خیره کننده طبقات متوسط در سراسر جهان و رشد سریع جمعیت است. «به گفته او این سه پدیده «به شیوه ای هم گرا شده اند که می تواند سیاره ما را به طرز خطرناکی ناپایدار کند» و «چگونگی پرداختن به این روندهای جهانی در هم بافته شده، تعیین زیادی در مورد کیفیت زندگی بر روی زمین در قرن بیست و یکم خواهد کرد» (فریدمن ۲۰۰۸، صفحه ۵).

می توان علیه موقعیت فریدمن در مورد "شلوغ" (با زور و فشار) استدلال کرد، چرا که رشد سریع جمعیت نیست که مشکل است، اما در واقع، توزیع خود جمعیت است که مشکل است.

همان طور که آمده است جهانی شدن از بسیاری جهات جهان و روابط بین الملل را شکل داده است. اغلب مقدر به نظر می رسد که تنوع بسیاری از جوامع را در سراسر جهان افزایش دهد و در طول دو دهه گذشته جهانی شدن همراه با دموکراتیزه شدن و بازسازی شروع به تبدیل شرایط زندگی در بسیاری از ملت ها کرده است (بادام، پاول، دالتون ۲۰۱۰، صفحات ۱۵ تا ۲۵).

ما همچنین می بینیم که «جهانی شدن در مورد تغییر شکل های تماس انسان است» و پس از همه «جهانی شدن یک فرایند ناهموار است، به این معنی که افرادی که در نقاط مختلف جهان زندگی می کنند، با این تحول گول پیکر ساختارهای اجتماعی و مناطق فرهنگی بسیار متفاوت تحت تأثیر قرار می شوند» (استگر ۲۰۰۹، صفحات ۹ تا ۱۱).

افزایش تجارت بین المللی و تعاملات بین المللی تمایل به انتشار ارزش های نظام کلی بین المللی دارد. به این ترتیب با درگیر شدن بیشتر ملت های در حال توسعه به اقتصاد جهانی و نظام بین المللی جهانی، توسعه هنجارهای خاصی افزایش می یابد، مانند: حقوق بشر، برابری جنسیتی، و ارزش های دموکراتیک. همان طور که استگر اظهار داشت «اصطلاح جهانی شدن در مورد مجموعه ای از فرایندهای اجتماعی صدق می کند که به نظر می رسد شرط اجتماعی کنونی ما را برای تضعیف ملیت به یکی از جهانی بودن تبدیل می کند» (استگر ۲۰۰۹، صفحه ۹).

از نظر تاثیر جهانی شدن در نیروی کار و اشتغال، نشان داده شده است که جهانی شدن "اقتصاد منجر به خواسته های بنگاه ها و کارگران در برخی صنایع برای حفاظت از شغل خود می شود"، و آن را "در واقع ممکن است تضادهای فرهنگی را افزایش دهد" (بادام، پاول، دالتون ۲۰۱۰، صفحات ۴۹-۳۱).

با این حال همانطور که در سال های اخیر شاهد آن بودیم، با بحران مالی جهانی، اقتصادها و کشورها با خطرات و سطوح بالای بیکاری مواجه شده اند و این به طور خاص در صورتی که سیاست هایی را اجرا کرده باشند که ثبات مالی و سیستم های تنظیم مناسب را ترویج نمی کند. تلاش برای افزایش ثبات جریان های سرمایه بین المللی در تقویت معماری مالی بین المللی، و به نفع جهانی شدن بسیار مهم است.

### ۳. سازگاری با محیط رقابتی از طریق تکنولوژی و سیستم های کنترل

برای هر کشور و سازمانی انطباق تغییرات دوران جدید جهانی شدن بسیار مهم است. امروزه هیچ منازعه نمی کرد که سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر کامپیوتر برای بهره برداری از کسب و کارهای

مدرن ضروری هستند و این سیستم ها عملاً تمام اطلاعات تراکنش و تولید را در سازمان های بزرگ تولید می کنند (سیمون ۱۹۹۵).

مدیریت اطلاعات و ایجاد سیستم ها و استفاده از این سیستم ها به عنوان یک سیستم کنترل تعاملی برای هر شرکتی بسیار مهم است تا تغییراتی را که هر روز در نتیجه جهانی شدن اتفاق می افتد مدیریت کند. در این زمینه به گفته سیمون (۱۹۹۵) پنج شرط وجود دارد که لازم است هر سیستم کنترلی کاندیدای استفاده به عنوان یک سیستم کنترل تعاملی باشد:

۱- سیستم کنترل باید نیاز به پیش بینی مجدد از دولت های آینده بر اساس اطلاعات تجدید نظر؛  
۲. اطلاعات شامل یک سیستم کنترل باید ساده به درک (احساس)؛ ۳. سیستم کنترل باید نه تنها توسط مدیران ارشد بلکه توسط مدیران در سطوح مختلف سازمان استفاده می شود؛ ۴. یک سیستم کنترل باید برنامه های اقدام تجدید نظر شده را آغاز کند؛ و ۵. یک سیستم کنترل باید اطلاعاتی را جمع آوری و تولید کند که مربوط به اثرات عدم قطعیت های استراتژیک بر استراتژی کسب و کار باشد.

در یک بازار بسیار رقابتی جهانی شده، به روز رسانی تکنولوژی شما تمایل دارد عنصری باشد که به طور مداوم به آن فکر کند. فن آوری برتر جدید ظهور در افق، تهدید کسب و کار خود را، و آنچه می تواند در چنین شرایطی انجام می شود، آیا شما به سادگی به دنبال عقل متعارف و تلاش برای ایجاد یک انتقال بدون درز به فن آوری های جدید، این است که چگونه آندر و ا سنو (۲۰۱۰) قرار داده در حالی که آنها تمایل به پیدا کردن استراتژی های جدید برای فن آوری های قدیمی است.

از نظر آنها، هر شرکتی مجبور است از فن آوری قدیمی به فناوری جدیدی تبدیل شود، اما این به دلیل بسیاری از موانع از جمله: نیازهای تولید، فروش و پشتیبانی کاملاً متفاوت و فرهنگ درگیری بین طرفداران جدید و مدافعان قدیمی هم متفاوت است (ادنر و برف ۲۰۱۰).

به گفته سیمونز (۱۹۹۵) مطالعات در رشته های مختلف مدیریت به نتیجه مشابهی رسیده اند: فشار رقابتی کاتالیزور نوآوری و سازگاری است. با در نظر گرفتن این که در فرایند جهانی شدن فشار رقابتی تمام وقت در حال حاضر به هر شرکتی است، و به ویژه به کسانی که هدف آن جهانی شدن هستند، این درست است که سیمون آن را چگونه قرار می دهد وقتی می گوید "سیستم های کنترل مدیریت نقش حیاتی در ایجاد فشارهای رقابتی درون سازمان برای انطباق دارند" (سیمون ۱۹۹۵). سازگاری موفق در بازارهای رقابتی، سازمان را ملزم به شکستن روال جستجوی محدود می کند (سیرت و مارس ۱۹۶۳، همان طور که در سیمون ۱۹۹۵ ذکر شده است).

برای حفظ سازمان های سودآوری درازمدت، کشورها باید به رقابت پاسخ استراتژیک دهند. همانطور که توسط پورتر (۲۰۰۸) "شما به طور طبیعی نگه داشتن زبانه ها بر روی رقبای تثبیت شده خود را" بلکه "شما باید فراتر از رقبای مستقیم خود را نگاه کنید". او به این توجه می کند که چگونه «پنج نیروی رقابت که استراتژی را شکل می دهند» می نامد و به گفته او «با درک اینکه نیرو های پنج مسابقه چگونه بر سودآوری در صنعت شما تأثیر می گذارد، می توانید استراتژی ای را برای بالا بردن سود بلند مدت شرکت تان توسعه دهند». در این زمینه، او بیشتر به موارد زیر پی شنهاده می کند: موقعیت شرکت خود را که در آن نیروهای ضعیف تر در آنجا هستند قرار دهید. و نیروها به نفع شما می باشند. (پورتر ۲۰۰۸).

سازمان های بزرگ امروزه در ایجاد سیستم های مختلف تمرکز دارند و همان طور که سیمون (۱۹۹۵) بیان می کند «طرح های کسب و کار، اهداف و سیستم های اهداف، و بودجه ها سیستم های کنترل تشخیصی هستند که منابع، هماهنگی فعالیت ها، و ایجاد انگیزه در عمل کرد را برای رسیدن به نتایج از پیش تعیین شده فراهم می کنند.»

با این حال، هنگامی که صحبت از نقش IT در رقابت می شود، نظراتی وجود دارد که می گویند مهم نیست که چه زمانی صحبت از ضرب و شتم رقبای شما می شود. کار (۲۰۰۳)، به عنوان مثال، پیشنهاد می کند برای جلوگیری از سرمایه گذاری بیش از حد در IT، و برای اجرای سه استراتژی در این مورد می خواهد: صرف کمتر؛ دنبال کنید، رهبری نکنید؛ و روی خطرات تمرکز کنید، نه فرصت ها. با در نظر گرفتن این اقدامات شرکت ها هزینه های بیش از حد در فناوری انرژی به حداقل می رسد، که اجتناب از قرار دادن شرکت ها در نقطه ضعف هزینه.

با این حال، فناوری تنها جنبه ای نیست که هنگام صحبت با رقابت موفقیت آمیز در یک بازار جهانی شده مورد توجه قرار می گیرد. پانکاج قموات در اثر خود با عنوان "فاصله ه نوز اهمیت دارد"، کیت ابزار برای شرکت های مایل به ارزیابی فرصت های جهانی، که شرکت ها گاهی اوقات به طور معمول اغراق جذابیت بازارهای خارجی، و که از می تواند به بازار های گران قیمت منجر شود، توصیه می کند که "برای هر شرکت قبل از گسترش در سطح جهانی شما اهداف حقوق برای شرکت خود را انتخاب کنید، و به فراتر از پتانسیل فروش کشور با تجزیه و تحلیل تاثیر احتمالی از راه دور نگاه کنید" (جموات ۲۰۰۴).

به گفته وی، ما در اینجا تنها برای بعد فاصله جغرافیایی صحبت نمی کنیم، بلکه هر سازمانی باید ابعاد دیگری از این قبیل عوامل فرهنگی (دین، نژاد، هنجارهای اجتماعی، زبان) را در نظر بگیرد؛ عوامل اداری (لینک مستعمره استعمار، ارزش ها، آرایش معاملات)؛ و عوامل اقتصادی (درآمد،

کیفیت توزیع کانال). جموات می گوید که با تجزیه و تحلیل تاثیر احتمالی فاصله، در تمام ابعاد آن، "شما شانس سرمایه گذاری بازارهای خارجی سودآور را شیرین می کنید" (جموات ۲۰۰۴).

از دیدگاهی دیگر، جنبه حقوق بشر، استفاده از اطلاعات و سوء استفاده، جنبه مهمی است که باید در عصر جدید دنیای جهانی شده و با فناوری بالا در نظر گرفت.

حمایت های سنتی ارائه شده توسط قوانین مالکیت معنوی برای مقابله با بسیاری از مسائل مطرح شده توسط رسانه های دیجیتال ناتوان به نظر می رسد (شاپیرو و واریان، ۱۹۹۹). حمایت از حقوق مالکیت معنوی امروز به دلیل رسوب گذاری های عظیم اطلاعاتی در سیستم های الکترونیکی که مدیریت و کنترل درست آن دشوار است، به راحتی می تواند نقض شود. یا اگر هکرها به یک پایگاه داده بیمارستان حمله کنند، و با فایل ها نابود یا سوء استفاده کنند، یا ویروسی را آلوده کنند که قادر به عملکرد سیستم های الکترونیکی برای درمان بیماران نیست، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ با این حال، از سوی دیگر داشتن رکورد اطلاعات پزشکی در عصر دیجیتال می تواند یک مزیت باشد، و همان طور که هالمکا (۲۰۰۹) بیان کرد این امر می تواند از آزمایش و درمان غیرضروری جلوگیری کند، شانس خطای دارویی را کاهش دهد، و بلافاصله اطلاعات حیاتی را در شرایط اضطراری ارائه دهد.

علاوه بر این، نویسندگان هنوز استدلال می کنند که نابرابری در زمان جهانی شدن مطرح شده است. در مقاله ای که توسط ماس و هارینگتون (۲۰۰۶) انجام شد، جایی که نابرابری و جهانی شدن مورد کاوش قرار گرفت، می گویند «با اقدامات زیادی، نابرابری در طول چند دهه قبل، در داخل هر دو کشور توسعه یافته و در حال توسعه افزایش یافته بود» و به گفته آن ها «نابرابری نشان دهنده یک مسئله بزرگ در پایین قرن بیست و یکم بود». معمولاً در گذشته نابرابری تمایل داشت پیش شرط ناامنی و تهدید به صلح در بسیاری از کشورهای جهان باشد. بنابراین این یک عنصر مهم برای فکر کردن در هر کشوری است، و مسئولیت هر دولتی است که به درستی به آن بپردازد.

در نهایت ماس و هارینگتون (۲۰۰۶) به پل کروگمن، برنده جایزه نوبل اقتصاد استناد کردند، چگونه اصرار دارد که نابرابری رو به رشد در ملت های توسعه یافته ارتباط بسیار بیشتری با تغییرات فناوری داشته است تا جهانی شدن: «فراگیر بودن تغییر به سمت نیروی کار بسیار ماهر حاکی از آن است که توضیح نابرابری رو به رشد نه در تجارت بین المللی نهفته است که با تغییر ترکیب صنایع بر تقاضای نیروی کار تأثیر می گذارد، اما در تغییرات تکنولوژیکی که باعث کاهش تقاضا برای بدترین کارگران پرداخت شده در تمام صنایع شده است».

#### ۴. نتیجه گیری

به منظور حفظ بلند مدت سودآوری درازمدت، سازمان های و کشورها باید به رقابت ها پاسخ استراتژیک دهند. امروزه سیستم های اطلاعاتی مبتنی بر کامپیوتر برای بهره برداری از کسب و کارهای مدرن ضروری هستند و این سیستم ها عملاً بیشتر اطلاعات تراکنش و تولید را در سازمان های بزرگ تولید می کنند.

بازارهای جهانی فرصت های بیشتری را برای کشورها و شرکت ها فراهم می کنند تا بخشی از بازارهای بزرگتر باشند. اگرچه تفاوت های بین کشورها (کسانی که تولید ناخالص داخلی بالاتری دارند و کسانی که تولید ناخالص داخلی پایین تری دارند) هنوز وجود دارد، اما هر کشوری باید به دنبال کاهش فقر باشد و به نظر نویسنده، هیچ کشوری نباید از روند جهانی شدن منزوی بماند. نابرابری، عنصری است که باید به درستی به آن پرداخته شود و این مسئولیت هر دولتی و نهادهای بین المللی است. اقتصادهای پیشرفته می توانند به کمک و کمک به کشورهای در حال توسعه و کسانی که در فقر زندگی می کنند کمک کنند، و مسیر ادغام آن ها در اقتصاد جهانی را تسهیل کنند. این امر باید با فراهم کردن دسترسی نامحدود به بازار برای تمام صادرات، و با تشویق جریان سرمایه خصوصی در سرمایه گذاری مستقیم در این کشورهای در حال توسعه به دست آورد. این امر می تواند جهان را به مکانی بهتر و امن برای زندگی همه تبدیل کند .



منابع :

- Adner, R., Snow, D.C. (۲۰۱۰). Bold Retreat-A New Strategy for Old Technologies. *Harvard Business Review - March*. Harvard Business School Publishing. Boston, MA.
- Almond, G. A., Powell, G., & Dalton, R. J. (۲۰۱۰). *Comparative Politics Today-A World View* (3th Edition). Longman.
- Carr, N.G. (۲۰۰۳). IT Doesn't Matter. *Harvard Business Review - May*. Harvard Business School Publishing. Boston, MA.
- Friedman, T. L. (۲۰۰۸). *Hot, Flat, and Crowded*. New York, New York, USA: Farrar, Straus and Giroux.
- Ghemawat, P. (۲۰۰۱). Distance Still Matters- The Hard Reality of Global Expansion. *Harvard Business Review - September*. Harvard Business School Publishing. Boston, MA.
- Goldstein, J., Pevehouse, J. (۲۰۱۰). *International Relations* (Ninth ed.). Longman.
- Halamka, D. (۲۰۰۹). Your Medical Information in the Digital Age. *Harvard Business Review - July-August*. Harvard Business School Publishing. Boston, MA.
- Kennedy, P. P., & Danks, C. J. (۲۰۰۱). *Globalization and National Identities: Crisis or Opportunity?* New York, New York, USA: Palgrave.
- Leube, M. (۲۰۱۰). Lecture on Globalization. *International Relations Course. 28 January*. Vienna: SMC University.
- Moss, D., Harrington, A. (۲۰۰۶). Inequality and Globalization. *Harvard Business Review - May*. Harvard Business School Publishing. ۹-۷۰۵-۰۴۰. Boston, MA.
- Oxford's Advanced Learners Dictionary*. (۲۰۰۶). Oxford University Press.
- Porter, M. (۲۰۰۸). The Five Competitive Forces That Shape Strategy. *Harvard Business Review - January*. Harvard Business School Publishing. Boston, MA.